

Original Article

Analysis and Evaluation of Translation Based on Seven Methods of Vinay and Darbelnet (Case study: the Novel "Arzonnefagh")

Received: 2024/02/14

Accepted: 2024/06/24

Maede Akbar Karkasi^{1*}, Saadalah Homayouni², Shahriar Niazi³

1. PhD student of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Associate Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Associate Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.

Abstract

Historically, translation theorists have debated the transfer of structure versus notion. Translation studies researchers like Vinay and Darbelnet have argued over the transfer of concepts or structures since the field's inception. This article employs a descriptive-analytical approach to analyze and evaluate the novel Arzonnefagh, utilizing Vinay and Darbelnet's Seven Methods. According to the results, the translator has employed the indirect translation approach more than the direct translation method. He favored free translation rather than precise translation. In this work, equivalency constitutes the predominant translation approach, followed by adaptation, both of which are classified as indirect translation methods. The findings indicated that the translator achieved greater effectiveness with indirect translation, but reliance solely on direct translation resulted in deficiencies. It was also shown that whenever the compensating technique was used to send a message, the number of messages sent went up. This means that whenever the translator wanted to improve message delivery, an incremental strategy was used instead of a reduction. The authors conclude that integrating both direct and indirect translation methods (free and literal translation) is a good approach for translating complex concepts and terminology.

Keywords: Arzonnefagh, Vinay and Darbelnet, Seven Methods, Direct Translation, Indirect Translation.

*corresponding Author Email Address: maedeh.akbari74@gmail.com



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.



مقاله پژوهشی

تحلیل و ارزیابی ترجمه بر پایه روش های هفت گانه وینی و داربلنه (مورد مطالعه: رمان أرض التّفاق)

مائده اکبرکراسی^۱، سعداله همایونی^۲، شهریار نیازی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۳

چکیده

از گذشته اختلاف نظر زیادی درخصوص انتقال ساختار یا مفهوم، میان صاحب نظران ترجمه بوده است. عده ای در تقابل ساختار و مفهوم، به ساختار روی آوردند و ترجمه تحت اللفظی را برگزیدند و عده ای دیگر بر این باور بودند که هدف ترجمه، تنها انتقال مفهوم است و ترجمه ای آزاد را مناسب دانستند. با شکل گیری رشته مطالعات ترجمه، توجه به تقابل میان ساختار و مفهوم در نظریات صاحب نظران این رشته انعکاس یافت. ازجمله صاحب نظران این رشته، دو زبان شناس فرانسوی به نام های ژان پل وینی و ژان داربلنه بودند. این دو با اتخاذ رویکرد تحلیل مقابله-ای به مطالعه ی زوج زبان فرانسه - انگلیسی و توصیف شیوه های ترجمه پرداختند و الگوی خود را که با نام روش های هفت گانه شناخته می شود، در توصیف روش ترجمه تحت اللفظی و آزاد ارائه دادند که مبنای نظری این پژوهش بر آن مبتنی است. در مقاله حاضر نگارندگان کوشیده اند بر پایه ی روش های هفت گانه وینی و داربلنه، به تحلیل و ارزیابی رمان «أرض التّفاق» اثر یوسف السباعی و ترجمه حسین فریار پردازند. بر اساس یافته های پژوهش مشخص شد که مترجم، بیشتر از روش های غیرمستقیم در ترجمه بهره برده و به عبارت دیگر ترجمه آزاد را بر تحت اللفظی ترجیح داده است. همچنین مشخص شد در تمامی نمونه هایی که بر اساس ترجمه ی غیرمستقیم انجام شده اند، مترجم ترجمه موفقی ارائه داده، اما در مواردی که تنها به ترجمه مستقیم اکتفا کرده، ضعف ترجمه دیده می شود. در پایان مقاله پیشنهاد نگارندگان بر این بود که ترکیب ترجمه مستقیم و غیرمستقیم، راهکار مفیدی در ترجمه مفاهیم و اصطلاحات دشوار است.

کلیدواژه ها:

أرض التّفاق، وینی، داربلنه، روش های هفت گانه، ترجمه مستقیم، ترجمه غیرمستقیم.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

استناد به این مقاله: اکبرکراسی، مائده و همایونی، سعداله و نیازی، شهریار، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، «تحلیل و ارزیابی ترجمه بر پایه روش های هفت گانه وینی و داربلنه (مورد مطالعه: رمان أرض التّفاق)»، پژوهشنامه نقد ادب عربی، ش ۲ (پیاپی ۲۷)، س ۱۴، صص ۱۲۱-۱۳۴.

*corresponding Author Email Address: maedeh.akbari74@gmail.com



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.

۱. مقدمه

از زمانی که انسان به کمک زبان، توانایی برقراری ارتباط با هممنوع خود را یافت، ترجمه نیز آغاز گشت. بی‌شک ترجمه از مهم‌ترین دستاوردهای دانش بشری و پلی برای ارتباط با اقوام و فرهنگ‌های گوناگون تلقی می‌شود. می‌توان گفت به دلیل جایگاه ویژه ترجمه در گفت‌وگوی تمدن‌ها، پیشرفت و توسعه‌ی تمامی تمدن‌ها مدیون ترجمه است. در عصر کنونی که دیگر مرزهای جغرافیایی مفهوم و اعتباری ندارند، ترجمه، بیش از پیش اهمیت یافته‌است و حتی خود از عوامل جهانی‌شدن و فروریختن تمامی موانع و مرزها میان جوامع به شمار می‌رود.

نوشته‌های پیرامون موضوع ترجمه به گذشته‌های دور می‌رسد. سیسرو و هوراس در قرن اول قبل از میلاد و سنت جروم در قرن چهارم بعد از میلاد به موضوع ترجمه پرداختند و نوشته‌هایشان تا قرن بیستم تأثیر بسیاری برجای گذارد. از این رو می‌توان گفت که ترجمه فعالیتی قدیمی است؛ لیکن مطالعه در باب ترجمه در پنجاه سال اخیر به عنوان یک رشته دانشگاهی مطرح شده‌است. در دنیای انگلیسی‌زبان، این رشته اکنون عموماً به عنوان «مطالعات ترجمه» شناخته می‌شود که این امر مرهون جیمز هولمز محقق آمریکایی هلندی تبار است. وی در مقاله مهم خود که در سال ۱۹۷۲ منتشر شد، این رشته را رشته‌ای توصیف کرد که به مشکلات پدیده ترجمه کردن می‌پردازد (موندی، ۱۳۸۹: ۲۷ و ۲۲).

با وجود این که تاکنون دسته‌بندی‌های متفاوتی از روش‌های ترجمه مطرح شده است، می‌توان گفت که در نگاهی کلی بیشتر این دسته‌بندی‌ها بر دو رویکرد کلی در ترجمه تکیه دارند: ترجمه تحت-اللفظی و آزاد. تفاوت این دو نوع ترجمه بر سر انتقال ساختار یا انتقال مفهوم است. این دوراهی در ترجمه متون ادبی به دلیل تلاش برای تأثیرگذاری بر خواننده، پررنگ‌تر است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۰). از آغاز ظهور مطالعات ترجمه، نظریه‌پردازان این حوزه به این

دو راهبرد کلی در ترجمه توجه داشته‌اند. سیسرو (۴۶ قبل از میلاد) با متفاوت دانستن مترجم و خطیب، ترجمه کلمه به کلمه را بی‌اعتبار خواند. به اعتقاد وی مترجم تنها به ترجمه تحت‌اللفظی عنایت دارد، اما خطیب سعی در بیان سخنی دارد که بر شنونده تأثیر می‌گذارد. گفتنی است که این رویکرد سیسرو که بعدها توسط هوراس نیز تأیید شد، تأثیر بسزایی بر نظریه‌های ترجمه در قرون بعد داشت (موندی: ۵۲-۵۳). نایدا در تعریف ترجمه می‌گوید: «ترجمه عبارت است از نزدیک‌ترین معادل زبان مورد ترجمه اول از جهت مفهوم و بعد از لحاظ سبک» (صفارزاده، ۱۳۸۴: ۲۲). آنچه از این تعریف برداشت می‌شود این است که نایدا در تقابل میان ساختار و مفهوم، اولویت را به انتقال مفهوم می‌دهد و به ترجمه آزاد معتقد است.

با ظهور اسلام در جهان عرب، قطب‌های تحت‌اللفظی و آزاد در سنت ترجمه عربی نیز ظاهر شد. به گونه‌ای که دسته‌ای از مترجمان چون یوحنا بن بطریق و ابن نعیم الحمصی لفظ‌گرا و دسته دیگر شامل ابن عشاق و الجواهری معناگرا بودند. در نوع اول در مقابل هر کلمه یونانی یک کلمه‌ی عربی قرار می‌گرفت و در صورت نبود معادل عربی برای کلمه، عین واژه یونانی انتقال می‌یافت؛ اما در نوع دوم مترجم در صدد خلق متون روان و سلیس بود؛ به گونه‌ای که معنای متن اصلی بدون آسیب به زبان مقصد منتقل شود (موندی: ۵۷-۵۵).

ازجمله مباحث مورد مطالعه در مطالعات ترجمه، تحلیل مقابله-ای است که به منظور شناسایی تفاوت‌های عام و خاص میان دو زبان انجام می‌گیرد. این روش بعد از دهه‌ی ۱۹۳۰ در ایالت متحده آمریکا به صورت حوزه‌ای نظام‌مند در پژوهش مطرح شد. رویکرد مقابله‌ای، عمیقاً بر مطالعات افرادی چون وینی و داربلنه^۱ (۱۹۵۸) و کتفورد^۲ (۱۹۶۵) تأثیر گذارد (همان: ۳۱-۲۹). توجه زبان‌شناسی به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان زبان‌های مختلف، سبب انجام مطالعاتی در حوزه زبان‌شناسی تطبیقی شد.

نظریه‌پردازان این حوزه به توصیف شیوه‌های مورد استفاده از سوی مترجمان جهت ترجمه باکیفیت‌تر، تحت عنوان «شیوه‌های ترجمه» پرداختند. ازجمله چهره‌های شاخص در این حوزه، وینی و داربلنه هستند (حقانی، ۱۳۸۶: ۱۴۷-۱۴۵). ژان پل وینی (۱۹۱۰-۱۹۹۹) پژوهشگر رشته‌ی مطالعات ترجمه در پاریس به دنیا آمد و پس از اتمام تحصیلات خود در رشته‌ی زبان انگلیسی، به کانادا مهاجرت کرد و در دانشگاه مونترال به تدریس آواشناسی و سایر علوم مربوط به زبان‌شناسی پرداخت. ژان داربلنه (۱۹۰۴-۱۹۹۰) زبان‌شناس فرانسوی دیگر نیز پس از آن که تحصیلات خود را رشته‌ی زبان انگلیسی به اتمام رساند، عازم کانادا شد و به عنوان استاد زبان فرانسه در دانشگاه مونترال مشغول به کار شد. وی همچنین به تدریس زبان‌شناسی مقابله‌ای در دانشگاه لاول، اهتمام ورزید. مهم‌ترین دستاورد این دو زبان‌شناس فرانسوی، کتابی به نام «سبک‌شناسی تطبیقی فرانسه و انگلیسی: روشی برای ترجمه» است که الگوی مشترک خود را در حوزه ترجمه تحت عنوان «روش‌های هفت‌گانه ترجمه متون ادبی» در آن ارائه داده‌اند (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷: ۱۶۴-۱۶۳).

نقد و ارزیابی ترجمه با شیوه‌های متفاوتی صورت می‌گیرد که ازجمله شیوه‌های آن نقد مقابله‌ای و تطبیقی است. به کمک این روش و تطبیق ترجمه با متن مبدأ، نارسایی‌های ترجمه از قبیل نارسایی‌های واژگانی، نحوی، معنایی و سبکی سنجیده می‌شود و با این شیوه می‌توان به درک درستی از میزان موفقیت مترجم دست یافت (سیدان، ۱۳۹۵: ۹۰). وینی و داربلنه تحلیل سبک‌شناسی تطبیقی میان زبان فرانسه و انگلیسی انجام دادند و با توجه به تفاوت زبان‌ها، به بیان راهبردهای ترجمه پرداختند که گرچه این مطالعات تنها براساس زبان فرانسه و انگلیسی بود، تأثیرات بسیار گسترده‌ای در تحلیل مقابله‌ای برجای گذاشت. این دو، با بیان

هفت روش ترجمه به بیان راهبردهای ترجمه مستقیم و غیرمستقیم پرداختند که همان تقابل ترجمه‌ی تحت‌اللفظی و آزاد را تداعی می‌کرد.

با توجه این که از ابتدای تاریخ ترجمه، محور بخش اعظمی از نظریات مطرح‌شده در این حوزه به خط مشی مترجم در گزینش مبدأ یا مقصد بازمی‌گردد، در پژوهش حاضر تلاش شده‌است با بررسی تطبیقی رمان أرض التفاق و ترجمه فارسی آن، گرایش مترجم در گزینش متن مبدأ (ترجمه مستقیم) یا مقصد (ترجمه غیرمستقیم) تبیین گردد. گفتنی است که وصول به این امر، از طریق ارزیابی بسامد روش‌های ترجمه بر پایه‌ی الگوی وینی و داربلنه انجام می‌گیرد. همچنین این پژوهش برآنست تا با تحلیل نمونه‌ها، به ارزیابی میزان موفقیت مترجم نیز بپردازد. با در نظر گرفتن بسامد راهبرد انتقال پیام از سوی وینی و داربلنه، راهبرد کلی مترجم در کم‌گویی یا زیاده‌گویی ارزیابی می‌شود. بدین ترتیب پرسش‌های پژوهش این گونه تبیین می‌شود:

۱. بسامد هر یک از روش‌های بیان شده در الگوی وینی و داربلنه که توسط مترجم به کار گرفته شده، کدام است؟
 ۲. بر پایه‌ی الگوی وینی و داربلنه، موفقیت مترجم در استفاده از ترجمه مستقیم بوده‌است یا غیرمستقیم؟
 ۳. مترجم در راهبرد انتقال پیام (جبران) که در الگوی وینی و داربلنه نامبرده شده‌است، به کاهش گرایش دارد یا افزایش؟
- در خصوص روش تحقیق نیز باید گفت که این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا هر یک از تکنیک‌های هفت‌گانه در الگوی وینی و داربلنه را تشریح و سپس نمونه‌های مربوط به هر یک از آنان را بیان می‌نماید. در انتها با ارائه‌ی جدولی، بسامد هر یک از روش‌های مورد نظر مشخص خواهد شد تا تعیین شود جهت‌گیری مترجم به سوی ترجمه مستقیم است یا غیرمستقیم. همچنین در پایان موفقیت و ضعف مترجم در استفاده از این روش‌ها تحلیل خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که به صورت تطبیقی و بین زبان‌های عربی-فارسی با تکیه بر الگوی وینی و داربلنه انجام گرفته‌اند، به شرح زیر است:

- مقاله «واکاوی ترجمه گرمارودی از نامه امام علی (ع) به مالک اشتر برپایه راه‌کارهای هفت‌گانه وینه و داربلنه» از اسماعیلی طاهری و همکاران (۱۳۹۷). نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که مترجم بیشتر به ترجمه غیرمستقیم گرایش داشته و این روش به افزایش خوانایی و سلاست ترجمه او کمک کرده‌است.

- مقاله «بررسی و تحلیل ترجمه‌ی رمان «الشحاذ» بر اساس الگوی نظری وینه و داربلنه» از نیازی و همکاران (۱۳۹۸). نگارندگان در این مقاله کوشیده‌اند با استخراج نمونه‌های تطبیقی به تحلیل بخشی از ترجمه‌ی کتاب الشحاذ نجیب محفوظ که توسط محمد دهقانی ترجمه شده‌است، بپردازند. آنان در پایان به این نتیجه دست یافتند که مترجم بیشتر از روش‌های ترجمه‌ی غیرمستقیم بهره گرفته و از میان تکنیک‌های هفت‌گانه در الگوی وینی و داربلنه، همانندسازی بیشترین بسامد را داشته‌است.

- مقاله «بررسی تعریب داستان «شاه و کنیزک» مثنوی با تکیه بر الگوی وینی و داربلنه (موردپژوهی مقایسه ترجمه منظوم هاشمی و جواهری)» از شهبازی و پارسایی‌پور (۱۳۹۹). نتیجه پژوهش بیانگر آنست که تعریب جواهری به دلیل بسامد بالای ترجمه مستقیم، به متن مبدأ نزدیک‌تر است و امانت‌داری در این تعریب بیشتر به چشم می‌خورد.

- مقاله «ارزیابی ترجمه استاد موسوی گرمارودی از خطبه «قاصه» نهج البلاغه براساس نظریه وینه و داربلنه» از بخشش و همکاران (۱۴۰۰). نتیجه نشان می‌دهد در تکنیک‌های مستقیم، ترجمه تاحدی خوانایی خود را ازدست می‌دهد و در حالت غیرمستقیم، امانت‌داری ترجمه قابل تأمل است.

پژوهش حاضر با توجه به ظرفیت الگوی وینی و داربلنه و ضرورت انجام پژوهش‌های بیشتر با بهره‌گیری از الگوهای نظام‌مند، نگارش شده است. همچنین می‌توان گفت با درنظرگرفتن نقش بسزای انتخاب راهبرد صحیح ترجمه و تأثیرگذاری این الگوی

صحیح بر ترجمه‌ای که مترجم ارائه می‌دهد، اهمیت این پژوهش بیشتر می‌شود.

۳. معرفی رمان أرض النفاق

رمان أرض النفاق در سال ۱۹۴۹ به قلم یوسف السباعی^۳ به نگارش درآمده است. این رمان تصویری حقیقی از جامعه‌ی مصر ارائه می‌دهد و به شیوه‌ی طنز نگاشته شده و به عبارت دیگر یک طنز سیاسی است. استفاده از قالب طنز در نگارش این اثر، نه تنها سبب شیوایی بیشتر شده بلکه بر تأثیرگذاری آن بر مخاطب نیز افزوده‌است و آدمی را ابتدا به تبسم و سپس به تفکر وامی‌دارد. این کتاب به شیوه‌ی طنزگونه از فراموشی خصائل اخلاقی و شیوع نفاق در جامعه صحبت می‌کند. گفتنی است که این نوع ادبی علاوه بر انتقاد از وضعیت سیاسی-اجتماعی، گاه به ارائه‌ی راهکارهایی جهت رفع معایب و کاستی‌های موجود نیز می‌پردازد. نویسنده در قالب طنز بهتر از هر سبک و الگوی دیگری مواضع نظری خود را در خصوص مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی خویش مطرح می‌سازد. «طنز از یک سو نمودار شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و از سوی دیگر، گزارشگر نگرش و باورهای طنزپرداز و موضع او در برابر این شرایط است» (آدینه‌پور باقری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

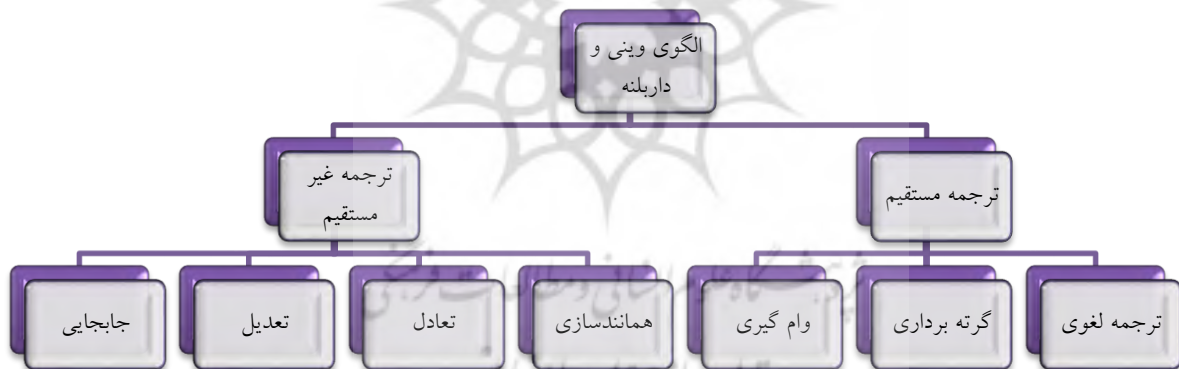
راوی داستان، خود یوسف السباعی است که داستان را از زبان خود (اول شخص مفرد) روایت می‌کند. وی با بیان داستانی نمادین و سوررئالی در فصل اول با دکانی در دل بیابان روبه‌رو می‌شود که اجناس آن را صدق و وفا و شجاعت و سایر فضایل اخلاقی تشکیل می‌دهند. او با خوردن جرعه‌ای از داروی شجاعت سعی می‌کند شجاعت را در خود احیا و با نفاق و دورویی و منفعت‌طلبی در جامعه که آن را یک خیانت فراگیر می‌داند، مقابله کند. وی درصدد احیای ارزش‌های انسانی است و در این میان از فراموشی مسأله فلسطین سخن می‌گوید. از غرب‌گرایی و تحقیر خود در قیاس با ملل غربی بیزار است. تملق و چاپلوسی را که در روزگار وی سبب ارتقای مقام می‌شود، نفی می‌کند و خلاصه می‌خواهد به تمامی انسان‌هایی که

هدف اصلی نویسنده اند، بسیار در این رمان دیده می-شود.

- یکی دیگر از ویژگی های برجسته این رمان، توصیفات بسیار است. نویسنده به دقت حالات انسانی را ترسیم می کند و در توصیف محیط و مناظری که می بیند، دقت نظر بالایی دارد. وی به گونه ای به ترسیم محیط می-پردازد که گویی مخاطب درست در همان محیط حضور دارد و به چشم خود نظاره گر توصیفات نویسنده است.

۴. روش های هفت گانه و تحلیل نمونه ها

دو راهبرد کلی که وینی و داربلنه ارائه کرده اند، ترجمه مستقیم و غیرمستقیم است. شکل زیر بیانگر این روش ها است.



فارسی نیز به دلیل ارتباطات فرهنگی و مذهبی، همواره شاهد وام-گیری واژگانی بوده اند (نیازی و قاسمی اصل: ۱۶۵). گاهی از وام-گیری استفاده می شود تا متن ترجمه، رنگ زبان مقصد گیرد. همچنین این فرآیند برای پرکردن خلأهای معنایی در زبان مقصد کاربرد دارد (موندی: ۱۲۹-۱۲۸).

چهره ی حقیقی خود را در پس نقاب نفاق و ریا و تزویر پنهان کرده-اند، تلنگری بزنند.

می توان بارزترین خصوصیات سبک نگارش رمان أرض النفاق را در موارد زیر بیان داشت:

- نخستین چیزی که در این رمان به چشم می خورد، سبک نگارش سوررئالیستی نویسنده است. وی در فصل اول با دکانی در دل بیابان رو به رو می شود که پر از کیسه هایی است که روی هم چیده شده اند و وقتی از محتویات کیسه ها می پرسد، حیرتش دوچندان می شود. این کیسه ها هر کدام پر از فضائل اخلاقی چون: صبر، وفاداری، صداقت، مروت و... است که در روزگار وی دیگر جایگاهی ندارند و جای خود را به نفاق و ریا داده اند.
- سبک کلی این کتاب همان گونه که اشاره شد، طنزگونه است؛ از این رو کلمات و مفاهیم استعاری که گویای

۴.۱. ترجمه مستقیم

ترجمه مستقیم شامل موارد زیر می باشد:

الف) وام گیری

در وام گیری، واژه زبان مبدأ به صورت مستقیم به متن منتقل و با الفبای زبان مقصد نوشته می شود. گفتنی است که زبان عربی و

مترجم واژه مورد نظر را به صورت شکل طبیعی زبان فارسی درآورده است.

ب) گرتة برداری

گرتة برداری نوع خاصی از وام‌گیری است و شامل دو نوع واژگانی و ساختاری است. گرتة برداری واژگانی غالباً در ترجمه نام سازمان‌های بین‌المللی پیش می‌آید. گرتة برداری ساختاری، انتقال ساختار زبان مبدأ به مقصد است؛ به عنوان مثال روش جمع بستن کلمات به صورت مکسر، جمع با «ات» و... از جمله نمونه‌های گرتة برداری فارسی از عربی است (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷: ۱۶۶-۱۶۵).

* «الأستاذ بلبوش رئيس جمعية منع المخدرات...»
(السباعي: ۲۵۳)

«استاد بلبوش رئيس جمعية مبارزه با مخدرات...» (فریار: ۳۸۱)

مترجم نام این نهاد را با استفاده از گرتة برداری واژگانی انتقال داده است؛ اما باید گفت که این نام در زبان فارسی کاربرد ندارد. نام این نهاد به فارسی «ستاد مبارزه با مواد مخدر» است.

* «وكنْتُ أَعْلَمُ أَنَّ الْقَوْمَ سَيَجْتَمِعُونَ فِي دَارِ الْأَمَانَةِ الْعَامَّةِ لِلْجَامِعَةِ الْعَرَبِيَّةِ» (السباعي: ۵۱)

«می‌دانستم که رهبران قوم در سازمان شورای عمومی امنیت جامعه عرب گرد هم می‌آیند» (فریار: ۷۸).

(دار الأمانة العامة) به معنای (دبیرخانه) و (الجامعة) به معنای (اتحادیه) است که مترجم با گرتة برداری واژگانی نتوانسته است به خوبی از پس ترجمه برآید؛ زیرا برای هیچ یک از ایرانیان عنوانی که مترجم نگاشته است، معتبر و قابل فهم نیست. ترجمه پیشنهادی: دبیرخانه اتحادیه عرب.

ج) ترجمه لغوی یا تحت‌اللفظی

در این نوع ترجمه، اجزای متن اصلی به لحاظ نحوی و معنایی به

* «و أنا معلق في سلم الترام» (السباعي، ۱۹۴۹: ۲۸).
«که از روی پله تراموا معلق شده» (فریار، ۱۳۸۲: ۴۲).
مترجم به وام‌گیری واژه (الترام) پرداخته است. تراموا قطار سبک شهری است که هنوز به ایران راه نیافته است؛ لیکن به نظر می‌رسد که در مصر کاربرد داشته است.

* «بفضل جهود الأحزاب السياسية التي تتوالى على الحكم» (السباعي: ۸۳)

«به مرحمت این سازمان‌های سیاسی گاه این حزب و گاه آن حزب بر خرم می‌نشیند و حکومت می‌کند» (فریار: ۱۲۵-۱۲۴).
با توجه به این که واژه‌ی حزب و احزاب در زبان فارسی کاربرد دارد، مترجم می‌توانست عین واژه را انتقال دهد. لیکن با تعبیر آن به سازمان، ترجمه‌ی مطلوبی ارائه نداده است.

* «كأنها الفوسفور في الظلمة الحالكة» (السباعي: ۱۰۸).

«چون فسفر در شبی سخت ظلمانی می‌درخشید» (فریار: ۱۶۲).

مترجم با نگارش واژه بر مبنای شکل زبان مقصد، به وام‌گیری پرداخته است.

* «و ذلك بأن أتجه إلى الزف الذي وضع عليه كيس الخلاصة.. خلاصة الأخلاق» (السباعي: ۱۹۲).

«به این ترتیب که دست به سوی رفی که کیسه‌ی خلاصه و روح اخلاق آن جا بود، بالا برد» (فریار: ۲۹۲).
رف به معنای قفسه از زبان انگلیسی به عربی راه یافته است و مترجم نیز این واژه را به عاریت گرفته است. این در حالی است که این وام‌گیری به جا نیست و مترجم می‌توانست از معنای «قفسه» برای ترجمه بهره‌گیرد.

* «واتجهنا إلى ميدان الأوبرا» (السباعي: ۲۴۷)

«چون به میدان «اوپرا» وارد شدیم...» (فریار: ۳۷۵)

متن مقصد انتقال می یابند. کار با ترجمه واژه به واژه آغاز می شود و از لحاظ ساخت ترکیبی، نوعی تعادل صوری میان اجزاء برقرار است (نیازی و قاسمی اصل: ۱۶۶). ترجمه ی تحت اللفظی توصیه ی وینی و داربلنه برای ترجمه ای خوب است و معتقدند تحت اللفظی بودن را فقط باید به دلیل الزامات ساختاری و فرازبان شناختی و با اطمینان به حفظ معنا قربانی کرد. وینی و داربلنه بیان می کنند که ممکن است به این دلایل ترجمه تحت اللفظی ممکن نباشد: معنای متفاوتی ارائه کند، معنا ندارد، به دلایل ساختاری ممکن نیست، در تجربه ی فرازباشناختی زبان مقصد عبارت مشابه ندارد یا با چیزی در سطح دیگری از زبان تطبیق دارد. آن ها معتقدند که در صورتی که ترجمه مستقیم امکان پذیر نیست، مترجم باید از ترجمه غیرمستقیم بهره گیرد (موندی: ۱۲۹-۱۳۰).

* «وهنا غلى مرجلى ولم أعد أحتمل» (السباعی: ۹۱).

«دیگر دیگ حوصله ام به جوش آمد و طاقت تحمل نمانده بود» (فریار: ۱۳۷).

عبارت مورد نظر یک ضرب المثل است که مترجم در ترجمه آن تنها به ترجمه ی تحت اللفظی اکتفا کرده است؛ حال آن که معادل فرهنگی آن در زبان فارسی موجود است. معادل فرهنگی این عبارت می تواند این باشد: کاسه ی صبرش سرریز شد.

* «إني أستطيع أن أضرب عصفورين بحجر» (السباعی: ۱۵۱).

«من با یک کار خیر می توانستم به دو ثواب نایل شوم و به اصطلاح با یک سنگ دو گنجشک شکار کنم» (فریار: ۲۲۵).

مترجم ضرب المثل عربی را عیناً به زبان فارسی منتقل کرده است؛ حال آن که به بهره گیری از تعادل (با یک تیر دو نشان بزنم) می توانست ترجمه مقبول تری ارائه دهد. می توان گفت ترجمه تحت اللفظی در مواردی که فرهنگ مبدأ و مقصد موقعیت یکسانی را به طریقی متفاوت تفسیر می کنند، کاربردی نیست و در این موارد در

صورت وجود تعادل، می توان از آن بهره گرفت.

* «حا نعمل إيه... العين بصيرة و اليد قصيرة» (السباعی: ۱۶۱).

«آخر چه کار کنیم؟ چشم بیناست و دست کوتاه. به قول معروف دست ما کوتاه و خرما بر نخیل» (فریار: ۲۴۳). مترجم عین عبارت (ضرب المثل) را از زبان عربی انتقال داده است که اگر به این ترجمه اکتفا می کرد، از ترجمه مطلوب بازمی ماند؛ اما در ادامه از معادل این عبارت در زبان فارسی بهره گرفته و ترجمه مناسبی ارائه داده است.

* «والناس موهومون من أسمائهم الزنانة... يتخیلون في القشور لباباً» (السباعی: ۲۶۱).

«و مردم فریب نام های پرطمطراق اینان را می خورند و خیال می کنند که علی آباد شهری است و در پوست مغزی است» (فریار: ۳۹۷).

مترجم ابتدا با استفاده از «تعادل»، معادل مناسب عبارت مورد نظر را آورده سپس عین عبارت را با ترجمه لغوی انتقال داده است که با استفاده از این راهبرد ترکیبی در ترجمه موفق بوده است.

* «وهو يبكي على ابنه الحبيب بدمع العين و دمع القلب» (السباعی: ۱۳۴).

«اما پیوسته به حال زار این پسر محبوب اشک می ریزد، هم اشک چشم و هم اشک دل» (فریار: ۲۰۲). عبارت عربی با ترجمه تحت اللفظی به فارسی بازگردانده شده است؛ لیکن تعادل راهکار مناسب تری برای ترجمه در این جمله بوده است. تعادل: به چشمش اشک و به چشمش خون.

۲.۴. ترجمه غیر مستقیم

کرده است.

این نوع ترجمه، شامل موارد زیر می باشد:

الف) جابجایی (تغییر صورت)

جابجایی کردن کلمه ای با یک مرتبه دستوری با کلمه ای از مرتبه دستوری دیگر بدون تغییر پیام است. این جابجایی به دلیل اختلاف ساختار دستوری زبان مبدأ و مقصد ضروری است. تبدیل ساختار فعلی به اسم: «لما أصبح الصّباح» به «صبح هنگام» تبدیل فعل مجهول به معلوم یا به عکس: «أعطيتُ وثيقةً» به «سندی به من دادند» (نیازی و قاسمی اصل: ۱۶۷-۱۶۶).

* «ولم تساعدنني خييتي على الشّعبطة» (السباعی: ۴۵).

«و از بدیاری موفق به حفظ تعادل نشدم» (فریار: ۷۰).

با توجه به ساختار زبان فارسی، گروه فعلی به قید (گروه اسمی) تبدیل شده است.

* «ودس قدميه في مركوب أحمر» (السباعی: ۱۲).

«پاهایش درون چارقی سرخ رنگ فرو رفته است» (فریار: ۱۷).

از آن جا که مترجم خود راوی داستان است، با توجه به اختیارات ترجمه در توصیف هیأت مرد، فعل معلوم (دس) را مجهول معنا کرده است.

* «و أتى لماسك المروحة يروح بها على وجهه أن

يحيى حاجة ماسك الفأس يضرب بها أرضه» (السباعی: ۳۷).

«کسی که بادبزین لوکس به دست دارد و چهره اش را خنک می کند، کجا به حال زار آن عمله ای می اندیشد که کلنگ به دست زمین را می شکافد» (فریار: ۵۵).

گروه اسمی عربی به گروه فعلی در ترجمه تبدیل شده است؛ زیرا ساختار زبان عربی و فارسی با یکدیگر متفاوت است. اسم فاعل در عربی معادل جمله ای در فارسی است و حکم فعل را دارد.

* «هزيمته أو انتصاره في الطاولة في الليلة

السابقة...» (السباعی: ۶۹)

«برد و باخت شب گذشته بر سر میز قمار» (فریار: ۱۰۳)

مترجم شبه جمله (جار و مجرور) را به صورت وصفی معنا

* «وهنا خطر لي أنّ الواجب يحتم عليّ بالآأدخل بيت الرّجل و أیدی فاضية» (السباعی: ۱۴۷).

«این جا به خاطر من رسید که وظیفه حکم می کند دست خالی وارد منزل فامیل نشوم» (فریار: ۲۲۰).

مترجم جمله خبری در متن مبدأ را به یک ترکیب وصفی تبدیل کرده است و این امر به دلیل کاربرد این ترکیب در زبان فارسی انجام گرفته است.

* «أحضر الصّبيّ ما طلبتُ» (السباعی: ۱۹۹).

«کارگر رستوران این ها را آورد» (فریار: ۳۰۱).

مترجم ترکیب موصول و صلة آن را به ضمیر در فارسی معنا کرده است. البته این مورد با اختیارات مترجم صورت گرفته است و ضرورتی برای این تغییر وجود نداشت.

ب) تعدیل (تغییر بیان)

تعدیل به معنای تغییر در شکل پیام متن مبدأ به دلیل تغییر در زاویه دید است و انواع گوناگونی دارد (نیازی و قاسمی اصل: ۱۶۷). وینی و داربلنه معتقدند که این مقوله ممکن است در این موارد انجام شود: انتزاعی به جای عینی، علت- معلول، جزء- کل، معکوس کردن اصطلاحات، نفی متضاد، معلوم به مجهول و بر عکس، مکان به جای زمان، بازنگری در فواصل و حدود (در مکان و زمان)، تغییر نماد (ازجمله استعاره های ثابت و جدید) (موندی: ۱۳۲-۱۳۱).

* «وفغروا من الدهش أفواههم» (السباعی: ۱۶۶)

«دهان ها از حیرت و تعجب گشوده ماند» (فریار: ۲۴۹).

فعل جمله معلوم است؛ لیکن مترجم آن را به مجهول معنا کرده است.

* «حتی دلف في النهاية إلى حارة مسدودة قد شاعت

في أركانها ظلمة حالكه» (السباعی: ۱۲۸).

«تا این که عاقبت به کوبی بن بست رسیدیم که ظلمت همه جایش را فرا گرفته بود» (فریار: ۱۹۳).
فاعل جمله مفرد غایب است که به صورت متکلم مع الغیر معنا شده است.

* «قد أبى إلا أن يحرم نفسه العيش ليؤكلهم الفطائر»
(السباعي: ۲۸۰)

«حاضر است حتی خود را از نان خالی محروم کند تا اربابانش کیک و باقلوا بخورند» (فریار: ۴۲۴).
فعل جمله عربی، متعدی به دو مفعول است؛ اما در جمله فارسی، مفعول اول فاعل در نظر گرفته شده است.
* «وقفنا برهة أمام الحاجز الخشبي» (السباعي: ۴۲).
«لحظاتي مقابل نرده های چوبین که... ایستادیم» (فریار: ۶۵).
واژه مفرد به جمع معنا شده است.

ج) تعادل

وینی و داربلنه این راهبرد را در مواردی به کار می برند که زبان ها شرایط یکسانی را با استفاده از سبک یا ساختار مختلف توصیف می کنند. این روش در ترجمه اصطلاحات و ضرب المثل ها بسیار به کار می رود (موندی: ۱۳۲). در معادل یابی مترجم به دنبال معادلی در زبان مقصد است که نه از لحاظ صوری و نه از لحاظ معنایی با آن اشتراک ندارد لیکن مفهومی است که از جهت معنای کلی باید تأثیر مشابه بر ذهن مخاطب داشته باشد (نیازی و قاسمی اصل: ۱۶۸).

* «ووضعت الحكومة نظاماً لتوزيعه بالبطاقات»
(السباعي: ۲۴).

«و دولت برای توزیع کوپن هایی رایج ساخت» (فریار: ۳۳).
(البطاقة) به معنای (کارت) می باشد؛ اما در این جا مقصود از آن کوپن هایی است که دولت در اختیار مردم قرار داده است. مترجم با بهره گیری از معادل فرهنگی به ترجمه مناسب دست یافته است.

* «وأخيراً... طُفح بهم الكيل و لم يعودوا يطبقون صبراً»
(السباعي: ۶۴).

«سرانجام کفرشان بالا آمد و بیش از این طاقت نیاوردند» (فریار: ۹۷).
عبارت «طُفح بهم الكيل» که معنای تحت اللفظی آن «پیمانه لبریز شد» است با فرآیند معادل فرهنگی کاملاً با زبان مقصد انطباق یافته است.

* «و عينك ما تشوف إلا التور» (السباعي: ۷۱).
(و چشمت روز بد نبیند) (فریار: ۱۰۷).

عبارت «عينك ما تشوف إلا التور» دارای معادل مشابه در زبان فارسی است که مترجم نیز با بهره گیری از معادل فرهنگی ترجمه مناسب با زبان مقصد ارائه کرده است.

* «سمعت رجلاً بجواري يتصعب بشفتيه و يهز رأسه في أسف...» (السباعي: ۶۲)

«مردی که پهلوی دستم بود و لب هایش را دمدام می لیسید و با تأسف سرش را تکان می داد» (فریار: ۹۴).

مترجم با استفاده از معادل فرهنگی مقصود از عبارت مورد نظر را بیان کرده است. البته مقصود از (يتصعب) گاز گرفتن می باشد که مترجم از آن به لیسیدن تعبیر کرده است.

* «ومع ذلك استغفرتي قوله» (السباعي: ۹۰).

«با این حال حرف هایش از کوره به درم کرد» (فریار: ۱۳۷).

واژه (استغفرتي) به معنای (برانگیخت، برآشفست) است که مترجم با استفاده از معادل فرهنگی ترجمه ای مناسبی ارائه کرده است.

* «ولكن - بعد خراب مالمطة - فلقد عصى ما لا يقل عن سبعة أشخاص» (السباعي: ۱۱۰).

«البته بعد از این که دیگر علی آباد خراب شده و لا اقل هفت نفر را گزیده بود» (فریار: ۱۶۴).

عبارت (بعد خراب مالمطة) یک عبارت مصطلح در زبان عربی است. (مالتا) مجمع الجزایری در مدیترانه مرکزی بین سیسیل و سواحل آفریقا شمالی است؛ اما مترجم در ترجمه این اصطلاح و نام این مکان که در این اصطلاح به کار رفته است، از فرآیند معادل

فرهنگی بهره‌برده که ترجمه را مطلوب ساخته است.

* «هل هناک فارق بینک و بین الفقیر المحروم الذی لایملک شروی نقیر» (السباعی: ۱۲۵)

«آیا در این صورت میان تو و آن فقیری که دیناری و آهی در بساط ندارد فرقی هست» (فریار: ۱۸۸)؟

مترجم به معادل فرهنگی مناسب با اصطلاح مورد نظر در زبان مبدأ دست یافته است.

* «أما ما عدا ذلک فإن أبأس شحاذ خیر منه» (السباعی: ۱۴۴)

«اما سوای این‌ها، گدای سامره وضعش بسیار بهتر از او بود» (فریار: ۲۱۶).

مترجم با استفاده از راهبرد تعادل، بدترین گدا را گدای سامره دانسته است.

* «فقد کان جسدی مضغوطة کالسردین بین بقية أجسام الرکاب» (السباعی: ۱۴۵).

«چون تنه‌ام مثل کنه به تنه‌های دیگر چسبیده بود» (فریار: ۲۱۷).

مترجم تعبیر (مانند ساردین بهم فشرده) را با بهره‌گیری از تعادل، به چسبیدن مثل کنه تعبیر کرده است.

* «ونظر الرّجل بطرف عینیه و قد تجهم وجهه» (السباعی: ۱۴۸).

«مرد با گوشه چشم نگاهی کرد. قیافه‌اش تو هم رفت و با اوقات تلخی جواب داد» (فریار: ۲۲۱).

(التّجهّم) به معنای اخم کردن آمده است. مترجم به جای ترجمه تحت‌اللفظی، این عبارت را به معنای کاربردی آن در زبان مقصد درآورده است.

* «ووجدت أساریه تنفرج» (السباعی: ۲۷۰).

«دیدم گل از گلش شکفت» (فریار: ۴۱۱).

(أساریه) جمع سرّ به معنای زیبایی‌های چهره و (تنفرج) به معنای بازشدن است. مترجم در ترجمه این اصطلاح از معادل فرهنگی مطلوب بهره‌برده است.

* «والمصاريف السّریّة لم یُنضب معینها ولا جفّ نبعها» (السباعی: ۲۵۸).

«و هنوز بودجه‌های محرمانه ته نکشیده و چشمه‌هایش نخشکیده است» (فریار: ۳۹۳).

ترجمه تحت‌اللفظی این عبارت می‌شود: آب فروکش نکرد و تمام نشد. مترجم با شناخت از فرهنگ مقصد و درک شباهت میان دو موقعیت، از راهبرد تعادل استفاده کرده است.

(د) همانندسازی

«زمانی که موقعیتی در فرهنگ مبدأ، در فرهنگ مقصد وجود ندارد از تغییر مرجع فرهنگی استفاده می‌شود» (موندی: ۱۳۲). وینی و داربلنه در کتاب خود، همانندسازی را نوعی معادلیابی می‌دانند که به دلیل موقعیت‌های مشترک بیان می‌شود؛ یعنی در مواردی که مترجم می‌خواهد به معادل تقریبی میان مضمونی در زبان مبدأ و مقصد دست یابد، به این پرسش پاسخ می‌دهد که در زبان مقصد در این مورد چه می‌گویند (نیازی و قاسمی اصل: ۱۷۰-۱۶۹)؟

* «فبدأت أتحفز للزّد علیه و أصررت علی أن أکیل له الصّاع صاعین» (السباعی: ۷۵)

«آماده‌ی پریدن و هجوم آوردن شدم و تصمیم گرفتم که در برابر هر حرف چرندش، دو پاسخ چرند تحویل دهم» (فریار: ۱۱۴).

مترجم با استفاده از خلق موقعیت مشابه، مقصود از عبارت مصطلح در زبان مبدأ را کاملاً برای مخاطبان خود در زبان مقصد ملموس ساخته است. گفتنی است که امکان بیان معادل نیز فراهم بود. معادل این عبارت را می توان این گونه پنداشت: کلوخ انداز را پاداش، سنگ است.

* «كأنه - لافض فوه - لم يكن يعيش في القاهرة من قبل» (السباعي: ١١٣).
«انگاری که این پدرآمرزیده تاکنون در قاهره نبوده» (فریار: ١٦٩).

مترجم با خلق همانندی مناسب با عبارت عربی، مقصود از اصطلاح موردنظر را برای مخاطب روشن ساخته است.

* «فغطى رأسه بطربوش أو قبة زاعماً أنها تزينه و تقيه لطفة الشمس» (السباعي: ١٦٨).

«و بر سرش فینه یا شاپو بگذارد به خیال این که این ها او را از سرما و گرما حفظ می کنند» (فریار: ٢٥٢).

مترجم با استفاده از همانندسازی، مقصود از کلاه را کلاه شاپو در فرهنگ مقصد دانسته است.

* «وطال بنا الانتظار و التلکؤ حتى أصابنا الملل» (السباعي: ٢٣٤).

«مدتی انتظار کشیدیم و این پا و آن پا کردیم. دیدیم خبری نیست، خسته شدیم» (فریار: ٣٥٤).

(تلکأ) به معنای در کاری درنگ کردن و بازایستادن است. مترجم در ترجمه این واژه، همانند مناسب با بافت سخن را آورده است.

* «نزلت علي برداً و سلاماً» (السباعي: ٩٨).

«من چنان شاد شدم که انگار آبی خنک بر جگر داغم ریخته اند» (فریار: ١٤٧).

مترجم ابتدا به شرح عبارت پرداخته سپس همانند مناسب با زبان مقصد را آورده است.

* هفت راهبرد نامبرده در سه سطح واژگان، ساختار دستوری و پیام قابل بررسی است. وینی و داربلنه در سطح «پیام» از راهبرد جبران سازی یاد می کنند که به دو صورت کاهش و افزایش انجام می شود (نیازی و قاسمی اصل: ١٧٠).

* «أين ستصلي الجمعة» (السباعي: ٢١٥)؟

«نماز جمعه را کجا می خوانی» (فریار: ٣٢٥)؟

مترجم با راهبرد جبران افزایشی، منظور از جمعه را روشن ساخته است.

* «ولكن لم تمض لحظة حتى وجدْتُ البیه «الرئيس» مندفعاً من حجرته كأنه الزوبعة» (السباعي: ٨٦)
«اما دقایقی بیش نگذشته بود که «بیک» (رئیس) به سراغم آمد. مانند گرگ تیر خورده خشمگین و کف بر لب بود» (فریار: ١٣٠).

مترجم با استفاده از جبران و افزودن واژگانی به معنای واژه، به توصیف آن پرداخته است تا حالت آن فرد را مطابق با بافت داستان به روشنی تبیین نماید.

* «ووضعت بجوار الحائط بعض الذکک و المقاعد الخشبية المتداعية» (السباعي: ١٢٩)

«در گوشه ای تعدادی نیمکت شکسته و زوار دررفته و صندلی های چوبین خراب چیده بودند» (فریار: ١٩٤).

مترجم کوشیده است با بهره گیری از فرآیند (جبران) و بسط

از مجموع ۴۳ نمونه ذکر شده در این مقاله، ۱۲ مورد به روش مستقیم و ۳۱ مورد به روش غیر مستقیم ترجمه شده‌اند و این نتیجه خود گویای بسامد بالای ترجمه غیرمستقیم در ترجمه این اثر است.

به دلیل بسامد بالای ترجمه غیرمستقیم و روش تعادل و همانندسازی می‌توان گفت که مترجم به ترجمه آزاد گرایش داشته است تا ترجمه تحت‌اللفظی. همچنین این امر بیانگر این نکته است که مترجم بیش از متن مبدأ به متن مقصد پایبند بوده است. آن چه برای مترجم حائز اهمیت بوده، ارائه ترجمه‌ای شیوا و روان بر اساس جامعه زبانی مقصد است.

اشتباهات مترجم در ترجمه مستقیم که در ذیل نمونه‌ها به آن‌ها اشاره شد، گویای این امر است که موفقیت مترجم در ترجمه مستقیم مطلق نیست؛ اما هر زمان که مترجم در کنار ترجمه لغوی از تعادل نیز بهره‌برده، ترجمه موفق‌تری ارائه داده است؛ از این رو می‌توان گفت ترکیب ترجمه لغوی و تعادل یا به عبارت دیگر ترکیب ترجمه مستقیم و غیرمستقیم، راهکار مفیدی در ترجمه مفاهیم و اصطلاحات دشوار است.

موفقیت مترجم در ترجمه عبارات به روش غیرمستقیم کاملاً ملموس است؛ زیرا در هیچ یک از نمونه‌هایی که ذیل ترجمه غیرمستقیم ذکر شد، ضعف ترجمه مشاهده نمی‌شود.

در تمامی نمونه‌هایی که برای انتقال پیام در ذیل راهبرد جبران‌سازی بیان شد، شاهد افزایش بودیم که این امر نشان می‌دهد هر زمان مترجم قصد انتقال بهتر پیام عبارت را داشته، از راهبرد افزایشی به جای کاهشی بهره‌گرفته است.

پیوست

1. Jean-Paul Vinay

2. Jean Darbelnet

۳. یوسف محمد محمد عبد الوهاب السباعی فردی نظامی و

معنای واژه، دو صفت (شکسته و زوار دررفته) را به معنای واژه بیفزاید تا بار معنایی مورد نظر در توصیف مکان را ایجاد کند.

* «هَزْ صَاحِبِي رَأْسَهُ» (السباعی: ۲۱۵).

«دوستم سر را به نشانه تردید نسبت به سخنانم حرکت داد» (فریار: ۳۲۵).

مترجم با استفاده از جبران، پیام اصلی را به مخاطب مقصد انتقال داده است. در این جا با توجه به بافت سخن، علت تکان دادن سر، به نشانه تردید بوده است.

جدول بسامد روش‌های هفت‌گانه وینی و داربلنه در ترجمه‌ی رمان اَرْض التَّفَاق

تغییرات ترجمه	بسامد
وام‌گیری	۵
گرفته‌برداری	۲
ترجمه لغوی	۵
جابجایی	۶
تعدیل	۴
تعادل	۱۲
همانندسازی	۹

۵. نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش حاضر را می‌توان این گونه بیان کرد:

در میان روش‌های هفت‌گانه ترجمه از منظر وینی و داربلنه، تعادل، بالاترین سهم را در ترجمه این رمان داشته است و همانندسازی در مرتبه بعدی قرار دارد که هر دو از روش‌های ترجمه غیرمستقیم هستند.

ادیب و وزیر فرهنگ اسبق مصر است. وی پس از فارغ‌شدن از اعمال نظامی، به عرصه فرهنگ و هنر روی آورد. وی ۲۲ مجموعه داستانی و ۱۶ رمان را به نگارش درآورد و به مدال‌ها و افتخارات زیادی دست یافت. برخی نوشته‌های وی به تصویر کشیده شده است. این آثار عبارت‌اند از: *آنی راحله، رد قلبی، بین الأطلال، نحن لا نزرع الشوك، أرض النفاق و السقامات*.

منابع و مآخذ

آدینه‌پور باقری، روجا و علی‌اکبر باقری خلیلی و احمد غنی‌پور ملک‌شاه. (۱۳۹۵). «تحلیل درون‌مایه‌ها و عناصر زبانی در اشعار طنز غلام‌رضا روحانی»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، سال ۴، شماره ۴۳، صص ۱۳۸-۱۰۹.

اسماعیلی طاهری، احسان، سیدرضا میراحمدی و مقصود بخشش (۱۳۹۷)، «واکاوی ترجمه گرمارودی از نامه امام علی (ع) به مالک اشتر برپایه راه‌کارهای هفت‌گانه وینه و داربلنه»، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۵، ش ۹، صص ۲۳-۱.

اکبری، امید، نجمه محمودی و گوهرشاد گوگلانی (۱۳۹۲)، «بررسی کارایی دو شیوه ترجمه تحت‌اللفظی و آزاد از دیدگاه خوانندگان، مطالعه موردی: ترجمه‌ی رمان هزار خورشید تابان»، فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، سال ۴۶، ش ۱، صص ۱۱۶-۹۹.

السباعی، یوسف (۱۹۴۹)، أرض النفاق، قاهره: دار مصر للطباعة. بخشش، مقصود، احسان اسماعیلی طاهری، سیدرضا میراحمدی

و حبیب کشاورز (۱۴۰۰)، «ارزیابی ترجمه استاد موسوی گرمارودی از خطبه «قاصعه» نهج البلاغه براساس نظریه وینه و داربلنه»، پژوهش‌های نهج البلاغه، سال ۲۰، ش ۶۸، صص ۲۸-۹.

حقانی، نادر (۱۳۸۶)، نظرها و نظریه‌های ترجمه، تهران: امیر کبیر.

سیدان، الهام (۱۳۹۵)، «نقد تقابلی ترجمه‌های فارسی الأجنحة المتكسرة جبران خلیل جبران»، فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۶، ش ۱۴، صص ۱۱۰-۸۵.

شهبازی، علی‌اصغر، مصطفی پارسایی‌پور (۱۳۹۹)، «بررسی تعریب داستان «شاه و کنیزک» مثنوی با تکیه بر الگوی وینی و داربلنه (موردپژوهی مقایسه ترجمه منظوم هاشمی و جواهری)»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره ۱۰، ش ۲۳، صص ۲۷۰-۲۳۳.

صفارزاده، طاهره (۱۳۸۴)، اصول و مبانی ترجمه، چاپ هشتم، تهران: پارس کتاب.

فریار، حسین، (۱۳۸۲)، سرزمین نفاق، تهران: انتشارات فردوس.

موندی، جرمی (۱۳۸۹)، درآمدی بر مطالعات ترجمه: نظریه‌ها و کاربردها، ترجمه الهه ستوده‌نما و فریده حق‌بین، تهران: نشر علم.

نیازی، شهریار و زینب قاسمی اصل (۱۳۹۷)، الگوهای ارزیابی ترجمه (با تکیه بر زبان عربی)، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

نیازی، شهریار، عطیه یوسفی و محمد امیری‌فر (۱۳۹۸)، «بررسی و تحلیل ترجمه‌ی رمان «الشحاذ» براساس الگوی نظری وینه و داربلنه»، زبان‌پژوهی، سال ۱۱، ش ۳۰، صص ۷۲-۴۹.